

کیمری ها

نویسنده: یزدان صفایی

خاستگاه و نام‌شناسی کیمری ها

کیمریان، قومی جنگجو و ساکن در جنوب روسیه از اواخر سده ی هفتم از قفقاز عبور کرده و وارد آسیای غربی شده بودند و بر ضد اربابان اورارتویی خود سر به شورش برداشتند. [۱] هرودت و برخی از نویسندگان باستانی نیز آنان را از ساکنان جنوب روسیه می‌دانند [۲] تالگرن، نیز می‌فهماند که استپ روسیه واقع در شمال دریای سیاه در تصرف قوم کیمری بوده است [۳] استرابون می‌گوید که آنان از طریق بالکان و داردانل به آسیای کهن رفتند. در منابع آشوری از آنان به عنوان «گیمیریایی Gimirrai» یاد شده است، و نام آن‌ها را نیز با «گومر Gomer» پسر یافت، که در تورات از آنها نام برده شده است، یکسان می‌دانند (سفر پیدایش، باب ۱۰- ۱-۲) در اسناد آشوری و یونانی، کیمری‌ها را گاهی با اقوام سکاها یکی دانسته‌اند. [۴] در واقع این دو قوم کاملاً به هم مربوط بوده و غالباً به یک زبان سخن می‌گفتند. [۵]

هومر در اودیسه (XI، ۱-۱۲) می‌گوید که کشتی اودیسه Odysseus به جایی رسید در «مرزهای جهان، در اوقیانوس ژرف. شهر کیمری‌ها، که میان مه و ابر فرو رفته است، در آنجا قرار دارد. هرگز خورشید درخشان با پرتو خود بر آن‌ها نمی‌تابد (نمینگرد). همچنین است به هنگامی که از آسمان پر ستاره بالا می‌آید و به هنگامی که از آسمان به سوی شرق حرکت می‌کند، و شب غم‌انگیز، بال‌های خود را بر روی مردم بدبخت می‌گسترده.» [۶] با توجه به سروده‌های هومر، جایگاه کیمری‌ها، بایستی جایی در باختر دور، یا شمال غربی، در حاشیه ی آن سوی جهان، و در کنار رود اقیانوس ماندی باشد که مرزهای جهان هومری را تشکیل می‌داد و مدخل جهان تاریکی بود و از این رو، کیمری‌ها را می‌توان مرزبانان بشری دانست. [۷]

این قوم در پیرامون دریای آزوف در شمال دریای سیاه می‌زیستند و نام آن‌ها هنوز در نام شبه جزیره ی کریمه به چشم می‌خورد. [۸]

کیمری‌ها در تاریخ

مرغزارها و دشت‌های شمال دریای سیاه که در تصرف کیمری‌ها بود، سکونت‌گاه سکاها گردید و آنان جای کیمری‌ها را گرفتند [۹] بخشی از کیمری‌ها به مجارستان و برخی دیگر به تراکیه کوچ کردند. [۱۰] کیمری‌ها از پایان سده ی هشتم پیش از میلاد، به سوی مرزهای وان (ارمنستان) پیش رفتند و به بخشی از این سرزمین، که بر اثر منازعات با شروقیان دوم ضعیف شده بود، در اواخر آن سده، حمله بردند و احتمالاً با مردم (وان) مخلوط شدند. [۱۱] اورارتو نخستین مملکتی بود که متحمل آسیب کیمریان شد. کیمریان به دو بخش تقسیم شدند: یک دسته از آنان در طول دریاچه ی ارومیه حرکت کردند و اندکی بعد جزو متحدان «خشثریته Kshatrita» قرار گرفتند، در صورتی که عمده ی سواران آنان، پس از هجوم بی‌نتیجه به سرحد شمالی آشور، به پیشرفت به سمت مغربی، در جهت آسیای صغیر ادامه دادند. [۱۲] در حدود ۶۶۰ پیش از میلاد، در اثر پیشرفت سکاها، کیمری‌ها تحت فرمان «تیوسپا tiuspa» مجبور شدند به آسیای کهن یورش ببرند و با پایداری دولت لیدی که از آشور کمک دریافت می‌کرد، روبه‌رو شدند تا این که

در ۶۵۲ پیش از میلاد توانستند دولت لیدی را از میان بردارند و سراسر شرق آسیای کهن را به تصرف درآورند. [۱۳] کیمری ها به پادشاهی فریژیان نیز پایان دادند. [۱۴] یورش دوباره ی آشور و پیشرفت سکاها در حدود ۶۳۷ پیش از میلاد، کیمری ها را در هم شکست و حکومت آنها را بر بخشی از کاپادوکیا، که برای همیشه کیمیریایی باقی ماند، کاهش داد. کاپادوکیا همیشه از سوی ارمنی ها، «گیمیر Gimir» نامیده می شد. [۱۵] اسرحدون در سالنامه های خود از پیروزی بر کیمریان توشپا که «از سرزمین های دوردست» آمده بودند و نیز از شکست نیروهای ایشپاکی آشگوزا (اسکیت)، نوشته است. [۱۶]

هنر کیمری ها

ایدت پرادا از قول گیرشمن می گوید که مفرغ های لرستان منسوب به کیمری ها است. [۱۷] تالگرن دانشمند فنلاندی نیز اشیای یافت شده در ناحیه ی دنیپر و کوبان را به کیمری ها نسبت می دهد و یادآور می شود که گنجینه های «بورودینو Borodino»، متعلق به ۱۱۰۰-۱۳۰۰ پیش از میلاد، گنجینه ی «چتکوو Chtetkovo» و داس های مفرغین متعلق به ۱۴۰۰ - ۱۱۰۰ پیش از میلاد و نیزه کوره ی مفرغین «نیکولایف Nicolaiev» مربوط به سال ۱۱۰۰ و داس های مفرغین «آبراموفکا Abramavka» مربوط به ۱۲۰۰ پیش از میلاد و تمامی اشیایی که در دانوب سفلا و در کوبان به دست آمده، شامل قطعاتی از طلا و گاوهای سیمین ناحیه ی «استارومیشاتوواسکایا Straomishatovskaya»، متعلق به ۱۳۰۰ پیش از میلاد، و کوبان دوره ی مفرغ متعلق به ۱۰۰۰-۱۲۰۰ پیش از میلاد، هنر آنان محسوب می شود. [۱۸] تمامی هنر و صنعت کیمری روسیه ی جنوبی به فرهنگ و تمدن ماورای قفقاز مربوط است و آثار یافت شده در گنجه و قراباغ، با صورت های جانوری که تا ناحیه ی تالش نیز گسترش داشته مربوط به صنعت مفرغ سازی کیمری هاست. این هنر از ۱۴۰۰ یا ۱۲۵۰ پیش از میلاد آغاز شده و حداکثر تا سده ی هشتم پیش از میلاد ادامه داشته است. [۱۹] در کاوش هایی که در شهر «کیمیریکوم Cimmericum»، که شهری باستانی در ساحل جنوبی شبه جزیره ی «کرچ» است، صورت گرفت، دیوارهایی دفاعی به ضخامت ۲/۵ متر، و همچنین مخازن گندم و آب انبار و ظروف مختلف و سلاح هایی در گورها کشف گردید، و نیز بقایای عصر مفرغ، در زیر لابه های مربوط به دوران باستان، در آنجا به دست آمد. دو گور مربوط به سده ی هفتم پیش از میلاد، یکی مکشوف در شبه جزیره ی تامان، و دیگری نزدیک «کرچ» متعلق به مردم بومی، یعنی اشراف بومی کیمری است که با سینه های مخلوط شده بودند. این فرضیه به وسیله ی سلاح های ویژه ای تأیید می شود که در گور اول به دست آمده است، به ویژه تبرزین مفرغی و قلاب کمریند که نقش دو شیر در آن دیده می شوند. هم تبرزین و هم قلاب کمریند، با اشیایی که خاص گورهای سکایی در سده ی ششم پیش از میلاد بوده، فرق دارد. قلاب کمریند ما را به یاد شکل هایی می اندازد که روی سر دیرک های یافت شده در کاپادوکیا است که محل دیگر اقامت کیمری ها بوده است. در یک تصویر، یک تندیس کوچک مفرغی، که سواری را در حال تاختن نشان می دهد، و تیردانی همراه دارد. شانه ی زرین، کمان، نیزه و تبرزینی در موزه ی آرمیتاژ پتروگراد وجود دارد که آنها را متعلق به کیمری ها می دانند. [۲۰]

گنجینه ی «میخالکوا Mihal Kova» که مربوط به سال های ۹۰۰ تا ۷۵۰ پیش از میلاد است، و در «گالیسی» جای داشته، آخرین مرحله ی تمدن کیمری ها به شمار می آید که دارای تاج زرین ناموری است که نزدیکی بسیاری با صنعت قفقاز و صنعت «هالسناتین Hallstattien» در اتریش دارد. در گنجینه ی «پود گورتسا Podgortsa» که در جنوب شهر «کیف» است نیز نفوذ صنایع قفقاز بسیار دیده می شود. تبرهای ماسوره دار مفرغی ناحیه ی «کوبلوو Koblevo» در مشرق شهر «اودسا Odessa» و نیزه هایی که نوک «دو دم» داشت، در حدود سده ی هشتم پیش از میلاد در

روسیه ی جنوبی فراوان یافت می‌شد. صنعت مفرغ کیمری ها در رومانیا نیز رواج یافت و در ناحیه ی «بوردی - هراستراو Bordi-Herastrau» و در «مورس Mures» در «مولداوی» و در «واریتوپو Vartopu» در «والاشی» وارد شده و به مجارستان رسید و مفرغ مجارستانی را تحت تأثیر خود قرار داد. کیمری ها مدت زیادی در عصر مفرغ ماندند. [۲۱] مفرغ های کیمری ها که در شهر «هالشتات» اتریش بدست آمده نشان می دهد که این هنر در اوکراین مانند یک هنر و صنعت روستایی و برزگری دوام داشته و در دوران سکاهها و یونانیان نیز استوارتر و پایدارتر شده است. [۲۲] مفرغ های کوبان و بخشی از مفرغ های لرستان از آثار کیمری هاست. [۲۳]

زبان کیمری ها

معمولاً زبان کیمری ها را تراکیایی یا ایرانی می‌دانند، و یا لاقل، حکام و فرمانروایان ایرانی داشتند. نام مشهورترین فرمانروایان آنها مانند «تئوسپا Teuspa»، «توگدامه Tugdamme»، که هرودوت آن را «لوگدامیس Lygdamis» می‌نامد و فرزندش «سانداخسترا Sandakhsatra»، ایرانی بود. [۲۴] همانندی «تئوسپا» با «توس» یا «تهماسپ» چشمگیر است. [۲۵] زبان کیمری ها غالباً با زبان سکایی ها یکسان بود. [۲۶]

نژاد کیمری ها

با نگرش به این چیستان که گاهی تورانیان در شمال غربی ایران نمودار شده‌اند (مانند گرفتاری افراسیاب در «بردع» قفقاز) یادآور می‌شویم که یکی از قوم های کیمری به نام توری (tauri) خوانده می‌شد. همچنین نام های «تروا» و «تراکیه» را نباید از نظر دور داشت. سیندی ها (sindians) نیز قوم دیگری از کیمری ها بودند که شاید بعدها در افسانه ی آلسکاندر مقدونی با سندی های هندوستان اشتباه گردیدند. برخی از یادمان های کیمری ها بسیار همانند با هنر نامدار لرستان است. [۲۷]

«گیرشمن» کیمریان را از اقوام ایرانی‌الاصل میدانند که همراه سکاهها به آسیای صغیر، سوریه و فلسطین پیشروی کردند. [۲۸]

درباره ی اصل و نسب کیمری ها ادعا شده است که لرهای امروزی ایران در واقع همان کیمری ها هستند [۲۹] نام رود «سیمره» واقع در غرب و جنوب غربی لرستان امروزی اشاره به نام کیمری ها یا سیمری ها دارد. [۳۰]

پانویس

- ۱- قوم های کهن در آسیای مرکزی و فلات ایران، روبه ۲۷۳ و ۲۷۴
- ۲- قوم های کهن در آسیای مرکزی و فلات ایران، روبه ۱۸۱
- ۳- امپراطوری صحرانوردان، روبه ۲۹
- ۴- قوم های کهن در آسیای مرکزی و فلات ایران، روبه ۱۸۱
- ۵- آذربایجان در سیر تاریخ ایران، روبه ۲۴۱ و ۲۴۲
- ۶- قوم های کهن در آسیای مرکزی و فلات ایران، روبه ۱۸۱
- ۷- قوم های کهن در آسیای مرکزی و فلات ایران، روبه ۱۸۱
- ۸- قوم های کهن در آسیای مرکزی و فلات ایران، روبه ۱۸۲
- ۹- امپراطوری صحرانوردان، روبه ۳۲

- ۱۰-امپراطوری صحرانوردان، رویه ۳۷
- ۱۱-قوم های کهن در آسیای مرکزی و فلات ایران، رویه ۱۸۴ و ۱۸۵
- ۱۲-ایران از آغاز تا اسلام، رویه ۹۸-۹۷
- ۱۳-قوم های کهن در آسیای مرکزی و فلات ایران، رویه ۱۸۴ و ۱۸۵
- ۱۴-ایران از آغاز تا اسلام، رویه ۹۸
- ۱۵-قوم های کهن در آسیای مرکزی و فلات ایران، رویه ۱۸۴ و ۱۸۵
- ۱۶-اورارتو، رویه ۵۴
- ۱۷-هنر ایران باستان، رویه ۱۰۸
- ۱۸-امپراطوری صحرانوردان. رویه ها ۲۹ و ۳۰
- ۱۹-امپراطوری صحرانوردان، رویه ۳۰
- ۲۰-قوم های کهن در آسیای مرکزی و فلات ایران، رویه ۱۸۸
- ۲۱-امپراطوری صحرانوردان، رویه ۳۲
- ۲۲-امپراطوری صحرانوردان، رویه ۴۱-۴۰
- ۲۳-امپراطوری صحرانوردان، رویه ۴۲
- ۲۴-قوم های کهن در آسیای مرکزی و فلات ایران، رویه ۱۸۳
- ۲۵-ایران بزرگ، رویه ۹۳
- ۲۶-ایران از آغاز تا اسلام، رویه ۹۷
- ۲۷-ایران بزرگ، رویه ۹۳
- ۲۸-ایران از آغاز تا اسلام، رویه ۹۷
- ۲۹-قوم های کهن در آسیای مرکزی و فلات ایران، رویه ۲۷۵
- ۳۰-لرستان و تاریخ قوم کاسیت، رویه ۴۶

کتابنامه

- ۱-رومن گیرشمن، ۱۳۵۵ ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه ی محمد معین، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۲-امید عطایی فرد، ۱۳۸۴ ایران بزرگ، انتشارات اطلاعات.
- ۳-رقیه بهزادی، ۱۳۸۶ قوم های کهن در آسیای مرکزی و فلات ایران، انتشارات طهوری.
- ۴-رنه گروسه، ۱۳۸۷ امپراطوری صحرانوردان، ترجمه ی عبدالحسین میکده، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۵-ب.ب. پیوتروفسکی، ترجمه ی عنایت الله رضا، ۱۳۴۸، اورارتو، بنیاد فرهنگ ایران.
- ۶-محمد سهرابی، ۱۳۷۶ لرستان و تاریخ قوم کاسیت، انتشارات افلاک.
- ۷-ایدات پرادا، ۱۳۵۷ هنر ایران باستان، ترجمه ی یوسف مجیدزاده، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۸-رحیم رییس نیا، ۱۳۷۸ آذربایجان در سیر تاریخ ایران، از آغاز تا اسلام. انتشارات مینا.